

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال یازدهم / دوره جدید / شماره ۴۴ / تابستان ۱۳۹۵
صص ۸۱-۹۶

بررسی تطبیقی تعاریف فاصله قرآنی

● علی اصغر آخوندی

استادیار دانشگاه صنعتی شاهرود

ali15as51@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۶

چکیده

فاصله، پدیده‌ای قرآنی در پایان آیات است. سخن درباره آن از دوران سبویه (د ۱۸۰ق) آغاز گردید، اما رمانی (د ۳۸۴ق) اولین کسی بود که به تعریف و بررسی آن پرداخت. از آن زمان تا کنون تعاریف زیادی از علمای فریقین درباره فاصله ارائه گردیده است، اما تعریف جامع و مانعی که به همه ابعاد فاصله پرداخته باشد، یافت نمی‌شود. به دلیل اهمیت و ضرورت وجود تعریف دقیق، لازم است ضمن بازخوانی و بررسی تطبیقی تعاریف «فاصله قرآنی» آنها را در محک ارزیابی قرار داد، تا شرایط برای ارائه تعریفی صحیح‌تر فراهم گردد. در این راستا پرسشهایی مطرح است که عبارتند از: فاصله قرآنی چیست؟ چرا به این نام خوانده شده است؟ چرا محققان در تعریف فاصله هم‌داستان نیستند؟ چه نقدهایی بر تعاریف آنان وارد است؟ سهم عالمان دو مذهب بزرگ اسلامی در تعریف فاصله چقدر است؟ در این مقاله به بازخوانی، بررسی، تحلیل و نقد تعاریف فاصله پرداخته شده و دلایل تنوع و گوناگونی آنها نیز روشن گردیده است. در نهایت سعی شده است تعریفی دقیق‌تر و جامع‌تر که کاستیها و نقایص تعاریف گذشته را ندارد، ارائه گردد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، فواصل، سجع، رؤوس آیات، بلاغت.





مقدمه

فاصله قرآنی نظر بسیاری از دانشمندان شیعه و اهل سنت را در زمینه‌های مختلف از جمله اعجاز، بلاغت، نحو، ادبیات و موسیقی به خود جلب کرده است. ظاهراً سیبویه (د ۱۸۰ق) اولین بار اصطلاح فاصله را برای پایان آیات به کار برده است.^۱ اما ابوالحسن علی بن عیسی رمانی معتزلی (د ۳۸۴ق) نخستین کسی است که آن را در کتاب «النکت فی اعجاز القرآن» مورد بررسی قرار داد و به عنوان یکی از عوامل بلاغت به تعریف و تعیین حد و حدود آن و تفاوتش با سجع پرداخت.^۲ پس از وی، این امر تاکنون ادامه یافته است، اما همه کسانی که به تعریف فاصله پرداخته‌اند، در عمل و بیان مصداق، مواردی را ذکر کرده‌اند که نشانی از آن در تعاریفشان وجود ندارد و در نتیجه می‌توان گفت: این تعاریف از جامعیت و مانعیت برخوردار نیستند.

با توجه به اهمیت موضوع فاصله قرآنی و در جهت پاسخ به پرسشهایی مانند: منظور از فاصله قرآنی چیست؟ دانشمندان فریقین چه تعریفی از آن ارائه داده‌اند؟ سهم عالمان دو مذهب بزرگ اسلامی در تعریف فاصله چقدر است؟ دلایل گوناگونی تعاریف در این باره کدام‌اند؟ چرا این تعاریف دقیق و جامع و مانع نیستند؟ چه نقدهایی بر آنها وارد است؟ آیا می‌توان تعریفی ارائه داد که نقد کمتری بر آن وارد باشد؟ این تحقیق به بازخوانی، جمع و دسته‌بندی تعاریف پرداخته و ضمن بررسی تطبیقی، آنها را در ترازوی نقد قرار داده است، تا نقاط قوت و ضعف آنها روشن گردد. ضرورت و اهمیت این مسئله علاوه بر نشان دادن نزدیکی عالمان اسلامی از مذاهب گوناگون در مسائل علمی، به ضرورت و اهمیت تعریف در هر رشته علمی برمی‌گردد. بدون ارائه یک تعریف دقیق، نمی‌توان به زوایای مختلف آن موضوع و صحت و

سقم مطالب ارائه شده، دست یافت. از این رو در این نوشتار ضمن بیان تعریف لغوی و وجه نام‌گذاری فاصله و تفاوت آن با سجع، به نقد و بررسی تعاریف اصطلاحی و پاسخ‌گویی به سؤالات پرداخته می‌شود.

پیشینه بحث

در زمینه پیشینه تحقیق، باید اذعان کرد گرچه سیبویه اصطلاح فاصله را به کار برده، اما تا مدتها این عنوان رایج نبوده و به جای آن از «رأس آیه» و «رؤوس آیات» استفاده می‌شده است. بعد از تعریف فاصله توسط رمانی، کمابیش این اصطلاح در کتابهای اعجاز، علوم قرآنی و بلاغت رخ نموده است، اما در کمتر کتابی می‌توان بررسی، تحلیل و نقد تعاریف فاصله را به صورت جامع ملاحظه کرد. مثلاً در برخی از کتابهای علوم قرآنی مانند «البرهان» و «الاتقان» تعریف ابوعمر و دانی از فاصله به صورت بسیار مختصر و کوتاه از قول جعبری مورد نقد قرار گرفته است. در دوران جدید نیز در برخی کتب عربی مانند «خصائص التعبیر القرآنی» از مطعنی، «الدلالات المعنویة لفواصل الآیات القرآنیة» از ابو حسان و «الفواصل القرآنیة» از سید خضر و یا مقالاتی مانند «قواعد تشکل النغم فی الموسیقی» از نعیم یافی، بررسی و نقد برخی تعاریف قابل مشاهده است. اما در زبان فارسی در موضوع فاصله قرآنی، به طور کلی و در زمینه تحلیل و بررسی تعاریف آن به صورت اختصاصی، تحقیق و پژوهش شایسته و درخور توجهی تاکنون صورت نگرفته است. همچنین در هیچ پژوهشی از جنبه تطبیقی به این تعاریف توجه نشده است. از این رو، آنچه در این مقاله آمده، کاملاً بدیع و نوآورانه است.

معنای فاصله

کلمه فاصله (جمع: فواصل)، اسم فاعل از ریشه «فصل»، به معنای جدا کننده بین دو چیز است. در

۱. کتاب، ج ۱، ص ۳۷۹.

۲. النکت فی اعجاز القرآن، ص ۹۷.



معنای سجع

بسیاری از عالمان اعجاز و بلاغت، در تعریف «فاصله قرآنی»، آن را به سجع تشبیه کرده‌اند.^۷ با توجه به این شباهت، لازم است به طور اختصار به معنای این واژه نیز پرداخته شود.

واژه سجع آن گونه که لغویان گفته‌اند، در اصل به آواز یکنواخت کبوتر و فاخته یا صدای ممتد و ناله‌گون شتر هنگامی که دردی در خود احساس کند، اطلاق می‌شود.^۸ این کلمه آن گاه که در وادی سخن آمده، به کلمات هم‌آهنگ آخر قرینه‌های کلام، اطلاق شده است^۹ و گفته‌اند: «کلام نثری است دارای فواصل، همچون قافیه‌های شعر، اما بدون وزن».^{۱۰}

این واژه از نظر اصطلاحی در علوم بلاغی، تعاریف بسیاری به خود دیده که البته قالب همه آنها یکی است. به طور نمونه می‌توان به تعریف جلال‌الدین همایی اشاره کرد که نوشته است: «سجع آن است که کلمات آخر قرینه‌ها، در وزن یا حرف روئی یا هر دو موافق باشند».^{۱۱}

گزیده سخن آنکه کلام مسجع باید دارای این ویژگیها باشد: ۱- داشتن حداقل دو قرینه و فاصله. ۲- اتحاد و تماثل کلمات پایان قرینه‌ها در حرف آخر. ۳- هم‌وزنی و هم‌آهنگی کلمات پایان قرینه‌ها. ۴- در بهترین حالت تساوی و تعادل دو قرینه در طول.

۷. البرهان، ج ۱، ص ۱۵۱؛ الاتقان، ج ۲، ص ۲۶۸؛ التمهید، ج ۵، ص ۲۱۰.

۸. کتاب العین، ج ۱، ص ۲۱۴؛ المحکم و المحيط الاعظم، ج ۱، ص ۲۹۷؛ لسان العرب، ج ۸، ص ۱۵۰؛ تاج العروس، ج ۲۱، ص ۱۸۱؛ الطراز لاسرار البلاغة، ج ۳، ص ۱۲. نیز رک: خزانه الادب، ج ۲، ص ۴۱۱؛ ثمرات الاوراق، ج ۲، ص ۱۳۶.

۹. فنون بلاغت و صناعات ادبی، ص ۴۱.

۱۰. کتاب العین، ج ۱، ص ۲۱۴؛ المحکم و المحيط الاعظم، ج ۱، ص ۲۹۷؛ لسان العرب، ج ۸، ص ۱۵۰.

۱۱. فنون بلاغت و صناعات ادبی، ص ۴۱. نیز رک: القاموس المحيط، ج ۱، ص ۷۲۷؛ تاج العروس، ج ۲۱، ص ۱۸۱؛ المثل السائر، ج ۱، ص ۲۱۰؛ بغیة الايضاح، ج ۴، ص ۶۵۳؛ الکامل فی اللغة و الادب، ج ۲، ص ۱۸۷؛ الصناعتین، ص ۸۰؛ سر الفصاحة، ج ۱، ص ۱۷۱؛ اعجاز القرآن، ص ۵۷؛ جواهر البلاغة، ص ۴۰۴.

کهن‌ترین کتاب لغت که توسط خلیل بن احمد شیعی نگاشته شده، آمده است: «الفصل: مسافت بین دو چیز است و الفصل من الجسد: جایگاه مفاصل بدن است و الفصیل: دیواری کوتاه غیر از سور و حصن است (که باعث جدایی دو قسمت زمین می‌گردد)».^۳

ابن فارس این کلمه را چنین معنا کرده است: «الفاء و الصاد و اللام کلمه صحیحی است که دلالت بر تمیز دادن چیزی از چیز دیگر و آشکار ساختن آن دارد. «الفصیل» به حاکم گفته می‌شود. همچنین به بچه شتری که از مادرش جدا شده است، نیز اطلاق می‌شود و به زبان نیز «المفصل» می‌گویند؛ زیرا امور را از یکدیگر جدا ساخته باعث تمیز آنها می‌گردد. «المفاصل» هم محل به هم پیوستگی دو استخوان است».^۴

فیروزآبادی نیز درباره آن گفته است: «الفصل، دیوار بین دو چیز است و محل به هم پیوستگی دو استخوان از بدن مفصل است و «الفاصله» مهره‌ای است که بین دو مهره دیگر در یک رشته قرار می‌گیرد و نظم موجود را از هم جدا می‌سازد».^۵

ابن منظور نیز آورده است: «فاصله مهره‌ای است که بین دو مهره دیگر در یک رشته مانند گردن‌بند قرار می‌گیرد و «عقد مفصل» مهره‌ای است که بین دو مروارید واقع می‌شود. همچنین «الفصل» قضاوت و حکم کردن بین حق و باطل است. زجاج ذکر کرده «الفاصل» از صفات الهی است؛ زیرا بین حق و باطل حکم می‌کند».^۶

در جمع‌بندی می‌توان گفت: فاصله به معنای چیزی است که با جدا سازی دو قسمت از یکدیگر، باعث تمیز دادن و آشکار شدن آنها می‌گردد.

۳. کتاب العین، ج ۷، ص ۱۲۶.

۴. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۰۵.

۵. القاموس المحيط، ج ۱، ص ۱۰۴۲.

۶. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۲۱. نیز رک: تاج العروس، ج ۳۰، ص ۱۶۳؛ تهذیب اللغة، ج ۱۲، ص ۱۳۶؛ المحکم و المحيط الاعظم، ج ۸، ص ۳۲۹.



بنابراین می‌توان گفت: سجع در معنای اصطلاحی، یکی از مصادیق فاصله به معنای عام لغوی است. اما سجع و فاصله در معنای اصطلاحی می‌توانند یکی از سه رابطه تباین، اتحاد و عام و خاص من وجه را داشته باشند که در مقامی دیگر باید به آن پرداخت.

معنای رؤوس آیات

قبل از رواج اصطلاح فاصله و فواصل، در دوران رمانی و باقلانی، از عبارات «رأس آیه» و «رؤوس آیات» استفاده می‌شده است. یحیی بن زیاد فراء (د ۲۰۷ق) در کتاب «معانی القرآن» در کنار اصطلاحاتی مانند: «فصول»، «آخر الآیه» و «آخر الحروف»، ۱۱ بار عبارت «رؤوس آیات» را به کار برده است.^{۱۲} همچنین محمد بن جریر طبری (د ۳۱۰ق) در تفسیر «جامع البیان فی تأویل القرآن» از «رؤوس آیات» استفاده کرده است.^{۱۳} زجاج (د ۳۱۱ق) در کتاب «معانی القرآن و اعرابه» چندین بار کلمه فاصله و فواصل را در کنار رؤوس آیات به کار برده و آن را تعریف کرده است.^{۱۴} استعمال فاصله در کنار رؤوس آیات و تعریف آن، نشان می‌دهد که فاصله هنوز رایج نبوده و تازه وارد حوزه ادبیات قرآنی و تفسیری شده است.

وجه نام‌گذاری فاصله

یکی از نکات مهم درباره فاصله، وجه نام‌گذاری آن است؛ زیرا با توجه به آشنایی عرب قبل از نزول قرآن با سجع و قافیه، با این حال فرجام آیات، با این دو واژه شهرت نیافت. دلیل نام‌گذاری فاصله چیست؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت:

۱. پایان آیات را بدان دلیل فاصله نامیده‌اند که میان دو کلام فاصله و جدایی ایجاد می‌کند، به گونه‌ای
۱۲. معانی القرآن، ج ۳، ص ۲۸۷. نیز رک: همان، ج ۱، صص ۱۶، ۴۴، ۲۰۱ و ۲۲۹؛ ج ۳، صص ۲۲۴، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۷۴ و ۲۸۳.
۱۳. جامع البیان، ج ۱۸، ص ۲۸۴؛ ج ۲۴، ص ۱۳۹.
۱۴. معانی القرآن و اعرابه، ج ۱، صص ۱۲ و ۳۸۹؛ ج ۳، ص ۲۷۰؛ ج ۴، ص ۲۱۸.

که با فاصله، آیه از مابعدش جدا می‌شود و گویا دانشمندان اسلامی، این اصطلاح را از قول خداوند متعال: «كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ»^{۱۵} و «كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ»^{۱۶} اقتباس کرده‌اند.^{۱۷} ۲. سعی شده است به دلیل شرافت و عظمت قرآن، اصطلاحاتی انتخاب شود که بین مردم رایج نبوده و در نثر و نظم عربی نیز استعمال نشده باشد. از این رو، از اصطلاحات رایجی مانند «قافیه» و «سجع» استفاده نشده و به جای آن عنوان فاصله به کار رفته است.^{۱۸}

۳. از آنجا که خداوند متعال شعر را از پیامبرش و قرآن^{۱۹} سلب کرده است، واژه قافیه نیز نباید برای قرآن استعمال شود. در مقابل از استعمال اصطلاح فاصله نیز برای شعر منع شده است؛ چون این صفت فقط برای کتاب خدا است.^{۲۰}

۴. از آنجا که کلمه «سجع» در اصل از صدای پرنده گرفته شده است، شایسته نیست برای قرآن مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا شرافت قرآن بسیار بالاتر است و چون قرآن از صفات خداوند است، جایز نیست از اوصافی که اجازه داده نشده، استفاده شود.^{۲۱}

۱۵. هود، ۱.

۱۶. فصلت، ۳.

۱۷. مراد از تفصیل در این آیات جداسازی بخشهای قرآن از یکدیگر و تنزل دادن آن به مرتبه‌ای است که روشن و دریافتنی باشد (المیزان، ج ۱۷، ص ۵۷۳). در آیه سوره هود احکام و تفصیل هر دو به آیات برمی‌گردد و بدان معنا است که آیات از جهت معانی دارای احکام و تفصیل هستند (همان، ج ۱۰، ص ۲۲۰). البته به نظر می‌رسد که این معنا از تفصیل در این آیات مانعی برای اقتباس اصطلاح فاصله از آنها نباشد.

۱۸. رک: البرهان، ج ۱، ص ۱۵۴؛ الاتقان، ج ۲، ص ۲۶۸؛ معترك الاقصران، ج ۱، ص ۲۵؛ الفاصلة القرآنیة، ص ۶؛ ری الظمان، ص ۹۹؛ دراسات فنیة، ص ۴۶۰؛ زیباشناسی واژگان قرآن، ص ۳۳۳؛ الزیادة و الاحسان، ج ۳، ص ۴۹۷؛ اعجاز القرآن الکریم بین الامام السیوطی و العلماء، ص ۵۷۴؛ زیباشناسی قرآن از نگاه بدیع، ص ۱۵۲.

۱۹. یس، ۶۹؛ حاقه، ۴۱.

۲۰. معترك الاقصران، ج ۱، ص ۲۵؛ الفاصلة القرآنیة، ص ۶؛ الزیادة و الاحسان، ج ۳، ص ۴۹۷؛ اعجاز القرآن البیانی، ص ۳۲۰.

۲۱. ری الظمان، ص ۹۹؛ دراسات فنیة، ص ۴۶۰.

تعاریف اصطلاحی و نقد و بررسی آنها

بسیاری از دانشمندان اسلامی در کتابهای لغت، بلاغت، اعجاز و علوم قرآنی، به موضوع فواصل نیز اشاره کرده‌اند. در این میان برخی به تعریف فاصله نیز پرداخته و برخی دیگر تعریفی ارائه نداده‌اند. تعاریف ارائه شده نیز یکسان نمی‌باشد و در هر یک از آنها به یک یا دو وجه از فاصله توجه و از وجوه دیگر غفلت شده است. هر کدام از عالمان در تعریف به گونه‌ای سخن گفته، اما در مقام بیان مصداق، به ذکر نمونه‌هایی پرداخته‌اند که نشانی از آنها در تعریف نیامده است. در این بخش، سعی شده است تمام تعاریف، از کتب مختلف جمع‌آوری و ضمن تفکیک دانشمندان شیعه و اهل سنت، به نقد و ارزیابی آنها پرداخته شود:

۱) دانشمندان اهل سنت

باید اذعان نمود که در موضوع فاصله قرآنی، عالمان اهل سنت از ابتدا سعی و کوشش بیشتری به کار برده و ابعاد مسئله را بیشتر کاویده‌اند. به علت تعدد این عالمان، تعاریف آنها براساس سیر تاریخی دسته‌بندی شده و سپس مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند:

الف) فاصله، حروف یکسان در مقاطع کلام

ابوالحسن علی بن عیسی رمانی (د ۳۸۴ق) و قاضی ابوبکر باقلانی (د ۴۰۳ق)،^{۲۲} فاصله را حروف یکسان می‌دانند که در مقاطع کلام آمده و باعث فهم بهتر معانی می‌شوند. نکته قابل توجه آن است که گرچه اشاعره و معتزله در بسیاری از معارف دین با یکدیگر اختلاف دیدگاه داشته‌اند، اما در تعریف فاصله قرآنی، میان آنها اختلاف نبوده و تعریف رمانی معتزلی و باقلانی اشعری از فاصله یکسان است.

در مقام نقد این تعریف می‌توان پرسید: منظور از مقاطع کلام چیست؟ آیا پایان جمله منظور است، یا پایان آیه؟ با توجه به اینکه مقطع کلام هم به پایان

جمله و هم به پایان آیه گفته می‌شود، در این تعریف روشن نیست که منظور کدام یک می‌باشد. شاید از اینکه رمانی در ادامه می‌گوید: «فواصل بلاغت هستند و اسجاع عیب»^{۲۴} بتوان نتیجه‌گیری کرد که پایان آیات منظور است.

اگر حروف پایان دو یا چند آیه هم‌شکل و همسان نبودند، آیا به آنها فاصله گفته نمی‌شود؟ بسیاری از آیات با حروف متقارب ختم می‌شوند و در برخی آیات نیز حروف پایانی نسبت به آیات قبل و بعد، نه متشکل است و نه متقارب. براساس این تعریف، پایان این آیات را چه باید بنامیم؟ بدین ترتیب روشن است فرجام بسیاری از آیات از ذیل این تعریف خارج می‌شوند.

در کتابهایی که از فاصله سخن گفته‌اند، به عبارات و جملات پایانی برخی آیات مانند: «إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^{۲۵}، «قَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^{۲۶} و ... استشهاد کرده و آنها را به عنوان فاصله به حساب آورده‌اند. در تعریف رمانی و باقلانی هیچ جایگاهی برای این جملات و عبارات وجود ندارد.

در پایان تعریف هم آمده است: «باعث فهم (بهرتر) معانی می‌شوند». سؤال اساسی و مهم این است که چگونه حروف هم‌شکل پایان آیات باعث فهم بهتر معانی می‌شوند؟

در شرح تعریف رمانی گفته شده است: «وقتی که سخن دارای فواصل باشد، مقاطع آن معلوم است. اگر متکلم در مقاطع توقف نکند و کلام اول و دوم را جدا نسازد، مقاطع روشن نخواهد شد. سرعت فهم در توقف بر مقاطع است؛ زیرا کلام تفصیل یافته، متضمن سرعت فهم است. از طرفی مخاطب نیز به سخن دارای نظم توجه بیشتری دارد؛ زیرا سخنی که از نظر معنا مشکلی ندارد، ولی از نظر نظم دارای تنافر باشد، جانها به آن بی‌رغبت می‌شوند و اگر جان از چیزی

۲۴. النکت فی اعجاز القرآن، ص ۹۷.

۲۵. بقره، ۲۲۰.

۲۶. مؤمنون، ۱۴.

۲۲. «الفواصل حروف متشاکله فی المقاطع توجب حسن الافهام المعانی» (النکت فی اعجاز القرآن، ص ۹۷).

۲۳. «الفواصل حروف متشاکله فی المقاطع یقع بها افهام المعانی» (اعجاز القرآن، ص ۶۱).





تفر پیدا کرد، آن را تلقی به قبول نمی‌کند و اگر چه اشکالی در معنا نباشد، به دلیل تفر قلب از تلقی آن، فهمش دچار مشکل می‌شود».^{۲۷}

چنان‌که معلوم است، گویا این نویسنده گمنام (که مصحح احتمال داده عبدالقاهر جرجانی باشد)، درباره این جمله رمانی در تردید بوده است. ایشان گمان کرده منظور آن است که فواصل باعث جدا سازی جملات از یکدیگر شده و هر جمله با جدا سازی از جمله بعدی بهتر فهمیده می‌شود. اما ادامه سخن رمانی می‌رساند ایشان چنین منظوری نداشته باشد؛ زیرا اگر این‌گونه باشد، فرقی بین سجع و فاصله نیست که یکی را عیب بدانیم و با آن مخالفت شود و دیگری بلاغت باشد.^{۲۸} با توجه به آنچه در این شرح آمده است، فواصل بر معانی دلالتی ندارند. از طرفی باقلانی نیز قافیه، سجع و فاصله قرآنی را باعث آرامش کلام می‌داند و معتقد است: چیزی با فواصل قرآنی شراکت و تناسب ندارد.^{۲۹} براساس این شرح، میان فاصله، سجع و قافیه تفاوتی نخواهد بود.

اما منظور از جمله پایانی تعریف، چیست؟ عبدالکریم خطیب که تعریف باقلانی را بررسی و نقد کرده، ابتدا جمله پایانی را این‌گونه توضیح می‌دهد: «مراد از جمله «يقع بها افهام المعاني» آن است که این حروف در پی معانی‌ای می‌آید که آیه متضمن آن است و این از پی آمدن، وجه جدیدی را برای آن معانی ظاهر ساخته و آنها وضوح بیشتری پیدا می‌کنند. همچنین از وظایف دیگر فاصله، خلاصه کردن معنی آیه است. خلاصه‌ای که با آن، معنی مراد آشکار گردد. یا به سخنی دیگر فاصله اشاره‌ای روشنی بخش به مرکز ثقل آیه است».

ایشان سپس در نقد آن می‌گوید: «این مطلب محتاج آن است که فواصل، جملاتی مستقل باشند که با دلالت خود معنی تام و مستقلی را برسازند؛ مانند

۲۷. شرح رسالة الرماني، ص ۱۰۱.

۲۸. النکت فی اعجاز القرآن، ص ۹۸.

۲۹. اعجاز القرآن، ص ۶۱.

«فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» و «وَاللَّيْلِ اللَّهُ تَرْجَعُ الْأُمُورُ»، در حالی که بسیاری از فواصل این ویژگی را ندارند و خود به تنهایی یک آیه هستند؛ مانند: «وَالضُّحَىٰ» و «وَالْعَصْرُ»، یا اینکه جزئی از یک آیه هستند؛ مانند: «وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ. وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ، النَّجْمُ الثَّاقِبُ»، کلمات «وَالطَّارِقِ»، «الطَّارِقُ» و «الثَّاقِبُ» فواصلی هستند که جزئی از آیه هستند و جدا سازی آنها ممکن نیست و به همین جهت تعریفی که قاضی ابوبکر باقلانی از فاصله کرده است، تعریفی جامع و مانع نیست؛ زیرا گفته او که «به وسیله فاصله معانی فهم می‌شوند» مستلزم آن است که برای فاصله دلالتی مستقل و تام وجود داشته و این دلالت با معنایی که آن آیه می‌رساند، متقابل باشد. این در بسیاری از فواصلی که قسمتی از آیه، یا فواصلی که خود به تنهایی آیه‌ای مستقل را تشکیل می‌دهند، ممکن نیست ... و از طرفی نیز حتماً لازم نیست فاصله وظیفه تأکید یا تلخیص یا تفریر معنای آیه خود را داشته باشد، بلکه فاصله می‌تواند وظایف دیگری داشته باشد ...».^{۳۰}

محمد حسناوی از رمانی و باقلانی دفاع کرده و نوشته است: «مراد رمانی و باقلانی از این عبارت اشاره به نفی سجع از قرآن است؛ زیرا سجع همان‌گونه که گفته‌اند، عیب است و فاصله بلاغت و اینکه فواصل تابع معانی هستند، ولی در سجع معانی تابع اسجاع هستند».^{۳۱} بر این اساس فواصل دخالتی در فهم بهتر معانی ندارند و بعید است منظور آن دو بزرگوار چنین چیزی باشد. به نظر می‌رسد آنچه در شرح تعریف رمانی از عالمی مجهول آورده شد، بهتر قابل پذیرش است؛ یعنی خود فاصله به معنی جدا سازی دو آیه از یکدیگر، باعث فهم معانی می‌شود و نه حروف پایانی آن. اما همان‌گونه که گفته شد، با بقیه سخنان این

۳۰. اعجاز القرآن فی دراسة کاشفة، ج ۲، صص ۲۰۶ و ۲۰۷. نیز ر.ک: مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۷۰؛ مباحث فی اعجاز القرآن الکریم، صص ۱۶۹ و ۱۷۰؛ البناء اللغوی فی الفواصل القرآنیة، ص ۱۸؛ «الفواصل الصوتیة و اثرها فی القرآن الکریم»، صص ۱۳ و ۱۴.

۳۱. الفاصله فی القرآن، ص ۲۸.



جمله مشتمل است، نمی‌تواند کلمه آخر جمله، فاصله آیه باشد، بلکه فاصله آخرین کلمه آیه است، تا با تمام شدن آیه، شروع آیه جدید شناخته شود.^{۳۶} بنابراین تعریف ابو عمرو و دانی نیز برای فاصله اصطلاحی قابل قبول نمی‌باشد.

ج) فاصله، پایان آیه

راغب اصفهانی (د ۵۰۲ق)،^{۳۷} ابن منظور (د ۷۱۷ق)، ابن خلدون (د ۸۰۸ق) و برخی دیگر از دانشمندان، فاصله را اواخر و پایان آیات دانسته‌اند. ابن منظور می‌نویسد: «پایان آیات در کتاب خدا - عزوجل - که به منزله قافیه‌های شعر است - جل کتاب الله - فواصل نامیده می‌شود که مفرد آن فاصله است».^{۳۸} ابن خلدون نیز ابتدا ادب را به شعر و نثر و بعد نثر را نیز به دو قسم مسجع و مرسل تقسیم می‌کند و سپس می‌گوید: «قرآن گرچه از سنخ نثر است، اما از هر دو صفت مرسل و مسجع خارج است، بلکه آیاتش به مقاطعی منتهی می‌شود که ذوق به انتهای کلام نزد آن شهادت می‌دهد و سپس کلام دوباره در آیه بعد آغاز می‌گردد و بدون هیچ التزامی که حرف آن دارای سجع یا قافیه باشد، تکرار می‌شود و این معنای گفتار خداوند است: «اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعْرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ»^{۳۹} و «قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ»^{۴۰} و آخر آیات آن فواصل نامیده می‌شود؛ زیرا نه سجع است و نه چیزی که مستلزم سجع باشد و نه قافیه است».^{۴۱}

این تعریف همان‌گونه که مشخص است، از طرف لغویان بوده و گرچه در کل صحیح است، اما بسیار عام و کلی و مدلول آن وسیع است.^{۴۲} بیشتر به یک تعریف عرفی شبیه است تا علمی. تفاوتی در اینکه فاصله حرف، کلمه

دو بزرگوار هم‌خوانی ندارد. البته اگر جمله «يقع بها افهام المعاني» یا «توجب حسن افهام المعاني» به همان معنی باشد که خطیب برداشت کرده، در آن نکته مفیدی نهفته است که هم رمانی و هم باقلانی اشاره کرده‌اند که فاصله به ما در فهم بهتر معانی کمک می‌کند و این در فواصل طولانی به خوبی آشکار است. به هر حال این تعریف جامع و مانع نیست و نمی‌توان به عنوان یک تعریف دقیق از آن بهره برد.

ب) فاصله، کلمه آخر جمله

ابو عمرو دانی (د ۴۴۴ق) فاصله را کلمه آخر جمله دانسته است. به گفته او: «فاصله کلام تام منفصل از بعد خودش است، حال این کلام منفصل می‌تواند پایان آیه باشد، یا نباشد. فواصل هم شامل پایان آیات می‌شود و هم غیر آن. هر پایان آیه‌ای فاصله هست، اما هر فاصله‌ای پایان آیه نیست».^{۳۲} مناع قطاع نیز به همین تعریف باور دارد و می‌نویسد: «منظور ما از فاصله، کلام منفصل از بعدش است و این می‌تواند پایان آیه باشد و یا نباشد. فاصله پایان مقطع خطابی واقع می‌شود و بدین خاطر فاصله نامیده شده است که با آن، کلام جدا می‌شود».^{۳۳}

گویا اولین کسی که به این تعریف ایراد گرفته، جعبری بوده که گفته است: «این خلاف اصطلاح است و دلیلی برای آن نداریم. منظور ایشان از فواصل، لغوی است و نه صناعی».^{۳۴}

براساس این تعریف، فاصله کلمه آخر جمله است، فرق نمی‌کند جمله در اول آیه، وسط یا آخر آن باشد. از این رو این تعریف مانع نیست؛ زیرا فاصله لغوی با فاصله اصطلاحی تداخل پیدا می‌کند و این عیب تعریف است.^{۳۵} همچنین از آنجا که یک آیه بر چند

۳۲. البیان فی عد آی القرآن، ص ۱۲۶؛ البرهان، ج ۱، ص ۱۴۹؛ «الاعجاز البیانی للقرآن الکریم، ارکانه و مظاهره»، ص ۲۴۸.

۳۳. مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۵۳؛ الاعجاز البیانی فی الفاصلة القرآنیة، ص ۹۳.

۳۴. البرهان، ج ۱، ص ۱۴۹؛ الاتقان، ج ۲، ص ۲۶۶.

۳۵. خصائص التعبیر القرآنی، ص ۲۱۸؛ ویژگیهای بلاغی بیان قرآنی، ص ۱۶۵.

۳۶. الصوت اللغوی فی القرآن، ص ۱۴۳.

۳۷. معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۹۵.

۳۸. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۲۴.

۳۹. زمر، ۲۳.

۴۰. انعام، ۹۷.

۴۱. المقدمة، ج ۱، ص ۷۸۱؛ الفواصل، ص ۵۳.

۴۲. الدلالات المعنویة، ص ۹۰.



و یا جمله پایانی آیه نامیده شود، نیست؛ زیرا شامل هر سه نوع می‌شود. از طرفی به ویژگیهای صوتی و دلالتی آن نیز اشاره‌ای نشده است. بنابراین به نظر می‌رسد باید مقداری جزئی‌تر به تعریف پرداخته شود.

د) فاصله، کلمه آخر آیه

در این بخش، سه تعریف را می‌توان مشاهده کرد که در کلمه آخر آیه بودن مشترک هستند:

۱. فاصله کلمه آخر آیه، مانند قافیه در شعر و سجع در نثر است. این تعریف از زرکشی (د ۷۹۵ق) است.^{۴۳} سیوطی (د ۹۱۱ق)^{۴۴} نیز آن را ذکر نموده و آن‌گاه طرف‌داران بیشتری پیدا کرده است.^{۴۵}

این تعریف گرچه نسبت به تعریف قبلی جزئی‌تر و بهتر است، اما جامع و مانع نیست. آیاتی که دارای حروف مقطعه یا فقط یک کلمه هستند، در این تعریف قرار نمی‌گیرند. همچنین آیات طولانی که فاصله در آنها یک جمله یا عبارت است. زرکشی،^{۴۶} سیوطی^{۴۷} و دیگرانی که این تعریف را بیان کرده‌اند، درباره جملات پایانی آیات مانند: «فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»، «وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»، «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» و «وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» و حروف پایانی آیات نیز سخن گفته‌اند که خارج از این تعریف است.

۲. فاصله توافق حروف پایانی آیات در حروف روی یا وزن است. محمد حسناوی «فاصله» را کلمه آخر آیه، مانند قافیه شعر و سجع نثر تعریف می‌کند، آن‌گاه در توضیح آن با عنوان «تفصیل» می‌نویسد: «توافق پایان آیات در حروف روی یا در وزن است، آن‌گونه

۴۳. البرهان، ج ۱، ص ۱۴۹.

۴۴. الايقان، ج ۲، ص ۲۶۶.

۴۵. ر.ک: الفاصله فی القرآن، ص ۲۶؛ خصائص التعبير القرآنی، ص ۲۱۸؛ الصوت اللغوی فی القرآن، ص ۱۴۳؛ الدلالات المعنویة، ص ۹۱؛ الفواصل، صص ۱۹۱-۱۹۳؛ دراسات فنیة، ص ۴۶۰؛ ری الظمان، ص ۹۹؛ فکرة النظم بین وجوه الاعجاز فی القرآن الکریم، ص ۲۱۶؛ اعجاز القرآن الکریم، ص ۲۲۱؛ ابجد العلوم، ص ۵۱۴؛ المتشابه اللفظی فی القرآن الکریم، ص ۱۹۲؛ الاصلان فی علوم القرآن، ص ۶۶.

۴۶. البرهان، ج ۱، صص ۱۷۱ و ۱۷۲.

۴۷. الايقان، ج ۲، صص ۲۸۲ و ۲۸۳.

که معنی اقتضا می‌کند و جانها با آن آرام می‌شوند».^{۴۸} تعریف حسناوی با توضیحی که داده، از تعریف قبلی جدا می‌شود و تا حد زیادی بیانگر تعریف فاصله در معنای لفظی و صوتی آن بوده و گرچه به دو وجه حروف و کلمه بودن آن اشاره کرده است، با این حال دقیق و جامع نیست. بسیاری از نمونه‌هایی که در کتاب «الفاصله فی القرآن» آمده و بیانگر فاصله بودن جمله پایانی برخی از آیات است، از تعریف خارج می‌شود. در ضمن شامل آیه‌ای که حروف پایانی آن در وزن یا حرف روی با دیگر آیات (قبل و بعد) توافق و هماهنگی ندارد، نمی‌شود. حسناوی خود از فواصل منفرد که در بعضی سوره‌ها آمده و از حیث حرف روی و وزن با دیگر آیات توافق ندارند، مانند آیات ابتدایی سوره‌های اعراف، ص، مزمل و نصر و آیات پایانی سوره‌های نجم، انفطار، ضحی و مسد^{۴۹} سخن گفته است. با توجه به قیدی که ایشان در تعریف خود آورده است (توافق فاصله در حروف روی و وزن)، شامل این آیات نمی‌شود. همچنین آیات تشکیل شده از حروف مقطعه که کلمه ندارند، نیز مشمول این تعریف نمی‌گردند.

۳. فواصل، کلمات دارای حروف پایانی متماثل یا متقارب هستند. ابن عاشور (د ۱۳۹۳ق) فواصل را این‌گونه تعریف کرده است: «کلماتی هستند در پایان آیات که دارای حروف پایانی متماثل یا متقارب بوده، نحوه تلفظشان نیز مثل یا نزدیک به هم است. به گونه‌ای در سوره تکرار می‌شوند که تماثل و تقاربان می‌تواند مقصود از نظم در بسیاری از آیات متماثل قرآنی به حساب آید. این نظم گاهی بیشتر و گاهی کمتر است».^{۵۰} در کتاب «شرح ناظمة الزهر» نیز تعریفی به همین سبک آمده است.^{۵۱} این تعریف نیز تا حد زیادی شبیه تعریف قبلی است.

۴۸. الفاصله فی القرآن، صص ۲۹ و ۱۳۸.

۴۹. همان، ص ۱۴۸.

۵۰. التحریر و التنویر، ج ۱، ص ۴۱.

۵۱. شرح ناظمة الزهر، ص ۵.



یا کلمه یا جمله‌ای می‌داند که آیه به آن ختم شده است و خلاصه آیه در آن وجود دارد.^{۵۳} موسی مسلم حشاش نیز نوشته است: «از تعاریفات گذشته روشن شد که فاصله قرآنی همان کلمه پایان آیه است. اما در نگاه ما، فاصله بیشتر از آن است. فاصله کلمه یا جمله آخر آیه است».^{۵۴}

در این تعریف نکته جدید و مهمی وجود دارد و آن اشاره به «جمله فاصله» است که در ذیل بسیاری از آیات وجود دارد، اما با این حال آیات یک کلمه‌ای و حروف مقطعه را شامل نمی‌شود. همچنین مشخص نیست «جمله فاصله» از نظر صوتی مورد توجه است، یا از نظر دلالت.

۲. فاصله، حروف روی یا قطعه یا جزء پایانی آیه است. نعیم یافی فاصله را چنین تعریف می‌کند: «فاصله به یکی از معانی سه‌گانه ذیل اطلاق می‌شود: - حروف روی که آیه به آن پایان می‌پذیرد و به قرینه سجع کاهنان و قافیه شعر شعرا شبیه می‌شود، یا نمی‌شود. - قطعه‌ای که آیه به آن خاتمه می‌یابد و در این معنی به قافیه (با تعریفی که خلیل بیان می‌کند) نزدیک می‌شود. - جزء پایانی آیه که ذیل آن قرار می‌گیرد و بهترین ختام مناسبی است که در جای خود استقرار می‌یابد».^{۵۵}

این تعریف به نسبت جامع و قابل قبول است، جز اینکه از «کلمه فاصله» سخنی به میان نیامده است. به نظر می‌آید اگر در کنار اشاره به حروف روی، قطعه و جزء پایانی، به کلمه پایانی آیه نیز اشاره شده بود، از جامعیت بیشتری برخوردار بود. البته باید به برخی خصوصیات فاصله از جمله نقش آن در صوت و دلالت نیز توجه داشت که به آن نیز اشاره نشده است. مشاهده می‌شود که قرآن پژوهان معاصر اهل سنت به دلیل تک بعدی بودن تعاریف گذشتگان، از قبول

حسنای فاصله را حروف هماهنگ در پایان آیات معرفی کرده است، در حالی که ابن عاشور فواصل را کلمات دارای حروف متماثل و متقارب می‌داند. در این تعریف گرچه به خوبی به وجه صوتی فاصله و نظم آیات اشاره شده است، اما به دلایلی که در تعریف قبلی گفته شد، دقیق و جامع نیست؛ زیرا شامل آیه‌ای که کلمه پایانی‌اش از نظر حرف روی یا وزن و یا شکل تلفظ با دیگر آیات سوره (یا با نظم سوره) همگون یا نزدیک نیست (فواصل منفرد)، همچنین شامل آیاتی که از حروف مقطعه تشکیل شده‌اند و نیز جملات و عبارات پایانی آیات نمی‌شود. در حالی که ابن عاشور در تفسیر «التحریر و التنبؤ» این جملات و عبارات را به زیبایی و مهارت هرچه تمام‌تر به عنوان فاصله تفسیر کرده و ارتباط آنها را با متن آیات آشکار ساخته است.

ه) تعاریف جدید

محققان معاصر اهل سنت به این نتیجه رسیده‌اند که باید نگرش ما نسبت به فاصله از نگرش قدیمی که فاصله را فقط محدود به کلمه پایان آیه می‌داند، فراتر رود و علاوه بر آن، به جملات و عبارات پایانی نیز نگرسته شود. دلیل این سخن آن است که در پایان برخی آیات، به جمله یا عبارتی برمی‌خوریم که نقش فاصله را برای آیات خود دارند. این گروه نیز سه تعریف عرضه کرده‌اند:

۱. فاصله، کلمه و جمله آخر آیه است. محمد مصطفی آیدین می‌نویسد: «علما با اینکه در تعاریف خود، فاصله را به «کلمه آخر جمله» و یا «کلمه آخر آیه» تعریف کرده‌اند، اما به هنگام استشهاد برای فاصله جمله کامل را لحاظ کرده و به معنی کل جمله نظر داشته‌اند. به همین دلیل در بیان حد و حدود معنای فاصله باید از جایگاه آن در جمله پایانی کمک گرفت. همان جمله‌ای که «تذییل» یا در حکم تذییل آیه است».^{۵۲} محقق دیگری نیز فاصله قرآنی را حروف

۵۲. الاسماء الحسنی، ص ۵۴.

۵۳. المناسبه بین الفاصله القرآنیة و آیاتها، ص ۵۰.

۵۴. الاعجاز الیبانی فی الفاصله القرآنیة، ص ۹۴.

۵۵. «قواعد تشکل النغم فی الموسیقی»، ص ۱۴۶. نیز ر.ک: التناسب

الیبانی فی القرآن، ص ۳۵۰: التناسب فی سورة البقرة، ص ۴۳.



آنها اجتناب می‌ورزند و در پی تعریفی هستند که از جامعیت بیشتری برخوردار باشد. به همین جهت در بررسی فواصل و تعریف آن، دیدگاههای جدیدی مطرح می‌شود که به نوعی تفصیل و تفکیک را می‌رساند. به اعتقاد این گروه، فواصل را باید از جهات گوناگون مانند دلالت، نطق (صوت و موسیقی)، کوتاهی و بلندی آیات و سوره‌ها مورد توجه قرار داد و آن را تعریف کرد. یافی قبل از تعریف خود می‌نویسد: «تعریفهای گذشته روشن نیست و فایده‌ای به همراه ندارد و به تحقیق‌هایی جدید نیاز است. تحقیقی که به رابطه فاصله با «ایقاع» و «موسیقی» بیشتر از آنچه که به تشابه یا اختلاف بین فاصله و قافیه شعر و سجع می‌پردازد، تأکید کند».^{۵۶} البته ایشان خود به این سخن وفادار نمانده و در قسمت اول و دوم تعریف خود، از تشابه فاصله با قافیه و سجع سخن گفته است.

۳. فاصله، کلمه آخر آیه با صدایی هماهنگ و تأثیرگذار است. سید خضر می‌نویسد: «فاصله کلمه آخر آیه است که منتهی می‌شود به صدایی که گاهی در شکلی نو و بی‌سابقه و هماهنگ (ریتمی) و تأثیرگذار به صورت سجع تکرار می‌شود و گاهی نیز تکرار نمی‌شود. اما فاصله همیشه یکی از صورتهای هماهنگی صوتی را با فواصل قبلی و بعدی حفظ می‌کند».^{۵۷} ایشان در ادامه توضیح می‌دهد: «فاصله قرآنی، کلمه‌ای از ساختمان آیه‌ای کوتاه و یا کلمه‌ای از ساختمان جمله‌ای است که در پایان آیه برای تعقیب یا تقریر یا تأکید می‌آید و این کلمه در همه حالات به صوتی منتهی می‌شود که گاهی

به شکل نو و بی‌سابقه و آوایی هماهنگ در شکل سجع تکرار می‌شود و گاهی نیز تکرار نمی‌شود ولی برای ایجاد هماهنگی و ریتم دائماً یکی از شکل‌های توافق صوتی را با فواصل قبلی و بعدی حفظ می‌کند. گویا دو کلمه بر وزن واحد یا از ساختمان صرفی یکسان یا غیر آن هستند».^{۵۸}

این تعریف تا اینجا گرچه به ایقاع و موسیقی فاصله نیز اشاره دارد، اما با این حال باید جزء دسته قبلی قرار می‌گرفت. آنچه تعریف سید خضر را در این گروه قرار داده، توضیحات ایشان و تفکیک میان صوت و دلالت یا کلمه و جمله است. از نظر ایشان، فاصله دارای صیغه صرفی است که به صوتی منتهی می‌شود و این صیغه از طرفی دارای جایگاه اعرابی مربوط به خود است و از طرفی دیگر دارای دلالتی است که به مضمون کل آیه مربوط می‌شود. به همین دلیل نیز تحلیل‌هایی فاصله با بررسی صوتی، صرفی، نحوی و دلالتی باهم تجویز می‌شود.^{۵۹}

خضر منظور اصلی خود از فاصله را این‌گونه توضیح می‌دهد: «اما تحدید لفظی فاصله: بهترین وجه که دقیق‌ترین نیز برای تحدید فاصله باشد، وجهی است که متناسب با اسلوب واقعی قرآنی و ترکیب آیات باشد. پس ما آن را به اعتبار صوت و دلالت به دو نوع تقسیم می‌کنیم: الف) به اعتبار صوت می‌گوییم: فاصله کلمه پایانی آیه است و صدایی مشابه [با پایان آیات قبل و بعد خود] به همراه دارد که اگر یافت شود، سجع را به وجود می‌آورد. فاصله به این اعتبار «کلمه فاصله» نامیده می‌شود. ب) به اعتبار دلالت «جمله فاصله» را می‌یابیم و در آن «کلمه فاصله» جزئی از ترکیب جمله مستقلی است که در پایان آیه آمده است. این جملات غالباً برای تعقیب یا تقریر مضمون آیه می‌آیند. این جملات دارای ترکیب مستقل بوده و تصرف نحوی و تنوع شکلی فاصله در آنها واقع می‌شود. روشن‌ترین مثالها برای «جمله فاصله» آن است که در فواصل سوره نساء آمده است. به طوری که اکثر آیات سوره به

۵۸. همان، ص ۵.

۵۹. همان.

۵۶. «قواعد تشکل النغم فی الموسيقى»، ص ۱۴۶.

۵۷. «هی لفظ آخر الآیة ینتهی بصوت قد یتكرر محدثاً إیقاعاً مؤثراً فی صورة السجع وقد لا یتكرر، ولكن الفاصله تحتفظ دائماً بإحدى صور التوافق الصوتی مع الفواصل السابقة واللاحقة» (الفواصل القرآنیة، ص ۲). منظور از اینکه صدا گاهی به شکل سجع تکرار می‌شود و گاهی نمی‌شود، به تعریف از سجع و رابطه عام و خاص من وجه آن با فاصله برمی‌گردد. سجع از حروف متماثل به وجود می‌آید. در صورتی که فواصل قرآنی گاهی دارای حروف متماثل و گاهی غیر آن است. منظور از جمله آخر نیز این است که در فواصل فرق نمی‌کند حروف متماثل باشند یا متقارب؛ در هر صورت ریتم و وزن هماهنگ پایان آیات حفظ می‌شود.

جمله‌ای ختم می‌شوند که برای تعقیب یا تقریر می‌آیند و از حیث ترکیب نحوی مستقل هستند».^{۶۰}

در این تعریف (با احتساب توضیحات) میان «کلمه فاصله» و «جمله فاصله» تفاوت قائل شده و این به دلیل تفکیک صوت و دلالت است. اشاره به کلمه فاصله مطلب جدیدی نیست و در تعاریف گذشتگان نیز وجود داشت. اما توجه به ویژگی صوتی و ایقاعی کلمه فاصله مهم به نظر می‌آید و به یکی از نقشهای آن برمی‌گردد. اشاره به جمله فاصله در توضیحات، همان نکته‌ای است که در تعاریف گذشتگان وجود نداشت و محققان امروزمین به آن پرداخته‌اند. به هر حال این تعریف نیز آیاتی را که فقط یک کلمه دارند و یا آیاتی را که از حروف مقطعه تشکیل شده‌اند، دربر نمی‌گیرد و از نظر بیان نیز مفهوم و فصیح نیست.

۲) دانشمندان شیعه

گفته شد که دانشمندان اهل سنت (متقدم و متأخر) در زمینه مباحث مربوط به فواصل قرآن، بیشتر به بحث و پژوهش پرداخته‌اند، اما نام برخی از عالمان شیعه که به این موضوع علاقه نشان داده و مباحثی را مطرح کرده‌اند نیز به چشم می‌خورد. در ذیل به برخی از این عالمان اشاره می‌شود:

الف) ابن سنان خفاجی

ابومحمد عبدالله بن محمد بن سنان خفاجی (د ۴۶۶ق) از ادیبان بزرگ شیعی در قرن پنجم قمری است. اثر وی «سر الفصاحة» را می‌توان اثری ارزشمند در علوم بلاغی به شمار آورد. خفاجی در کتاب سر الفصاحة به مسائل مربوط به فواصل نیز توجه کرده و بدون ارائه تعریف، ضمن نقد سخنان رمانی درباره تفاوت فاصله و سجع، به بیان ارتباط آن دو پرداخته است.^{۶۱}

ب) ابن حمزه حسینی علوی

یحیی بن حمزه حسینی علوی (د ۷۴۵ق) یکی از ائمه زیدی یمن است که در زمینه علوم بلاغت کتاب

«الطراز لاسرار البلاغة و علوم حقائق الاعجاز» را نگاشته است. ایشان نیز در این کتاب بدون اشاره به تعریف، گونه‌های مختلف فواصل و ارتباط آن با سجع را مورد بررسی قرار داده است.

ج) محمدهادی معرفت

در دوران معاصر محمدهادی معرفت (د ۱۳۸۶ش) در کتاب ارزشمند «التمهید فی علوم القرآن» ضمن مباحث مربوط به تناسب، به فواصل آیات نیز پرداخته که این مباحث توسط عزت‌الله مولایی نیا با عنوان تناسب آیات به فارسی ترجمه گردیده است. معرفت نیز فقط به بیان تعریف رمانی از فاصله بسنده نموده و خود مطلب جدیدی به آن نیافزوده است.

د) حسن خرقانی

ایشان نیز در کتابهای «هماهنگی و تناسب در ساختار قرآن کریم» و «زیباشناسی قرآن از نگاه بدیع» ضمن مباحث دیگر، بدون ارائه تعریف به بحث فواصل پرداخته است.

چنانچه ملاحظه می‌شود موضوع فاصله قرآنی از آنجا که جزء مسائل اعتقادی یا عملی دین نبوده، محل مناقشه و بحثهای کلامی و دینی بین عالمان شیعه و سنی قرار نگرفته و دیدگاه هر دو گروه یکسان است و حتی عالمان شیعی در تعریف و بسیاری مطالب آن، پیرو دانشمندان اهل سنت بوده‌اند.

دلایل تنوع تعاریف

با مطالعه تعاریف مختلف فاصله، این نتیجه حاصل می‌شود که محققان در بیان حد و حدود و تعریف آن، با سختی مواجه بوده‌اند و به همین دلیل با تنوع تعاریف مواجه هستیم. یکی از دلایل این سختی، به تنوع اشکال و تعدد صور فاصله قرآنی برمی‌گردد که گاهی در شکل یک کلمه است و گاهی قسمتی از کلمه و زمانی یک جمله کامل.^{۶۲} این تعدد صورتها خود به سبک خاص قرآن و آیات کوتاه و بلند و مکی و مدنی

۶۰. همان، ص ۵۷.

۶۱. سر الفصاحة، ج ۱، ص ۱۷۲.

۶۲. التناسب البیانی فی القرآن، ص ۳۵۰.





برمی‌گردد. به همین دلیل برخی در تعریف به حروف و برخی نیز به کلمه توجه کرده‌اند.

از دیگر دلایل تنوع و عدم جامعیت تعاریف گذشته، آن است که فاصله فقط بر حسب نطق و صوت تعریف می‌شد و کمتر در تعریف به بعد معنایی و دلالتی آن توجه می‌گردید. شاید عاملی که باعث می‌شد گذشتگان در تعریف خود فقط به حروف و کلمه بپردازند، آن بود که فواصل را جزئی از علم شمارش یا قرائت آیات می‌پنداشتند و در آنجا فقط سخن از نطق است، نه دلالت و معنا. از این رو در تعریف از حرف و کلمه سخن می‌گفتند، اما در عمل سراغ جملات و عبارات پایانی می‌رفتند و بسیاری از نمونه‌های استشهادی آنان، جملات و عباراتی بود که گرچه از نظر دلالت و معنا با متن آیه، پیوندی وثیق و محکم داشت، اما تعریف شامل آنها نمی‌گردید.

تعریف مختار

روشن شد که به دلیل تنوع و تعدد صور فاصله در قرآن، تعریف آن به گونه‌ای که همه اشکال را زیر پوشش خود بگیرد، سخت است. بنابراین باید از روش تفکیک و تفصیل استفاده کرد؛ یعنی حداقل از دو زاویه صوت و دلالت به فواصل توجه نمود. در غیر این صورت، به مشکل گذشتگان دچار خواهیم شد.

تعریف فاصله از جهت صوت و نطق شامل همه آیات قرآن می‌شود. آیاتی که از حروف مقطعه تشکیل شده و یا آیاتی که فقط یک کلمه دارند، نیز با آیات دیگر سوره دارای تمائل و تقارب و از نظر وزن نیز هماهنگ و موافق هستند. همچنین فواصل منفرد سوره نیز در داشتن حرف پایانی و وزن، تفاوتی با بقیه آیات ندارند. بنابراین هیچ آیه‌ای از شمول تعریف فاصله از جنبه صوت و نطق خارج نمی‌گردد.

تعریف فاصله از حیث دلالت و معنا شامل همه آیات نخواهد بود. فاصله آیاتی که از حروف مقطعه یا یک کلمه تشکیل شده، همچنین فاصله بسیاری از آیاتی که

دارای یک جمله هستند، معنای دلالتی مستقلی ندارند که بتوان آنها را در ارتباط با متن آیه مورد بررسی قرار داد. در این آیات حرف و یا کلمه آخر جزئی از تنها جمله آیه خواهد بود و نه فقط از نظر معنا که حتی از نظر نحوی نیز مستقل نیستند. به همین جهت برای این‌گونه فواصل نمی‌توان از نظر دلالت معنایی سخن گفت.

براساس این دیدگاه آیات از حیث کوتاهی و بلندی نیز تفکیک می‌گردد. در آیات کوتاه کلمه آخر آیه استقلال ندارد. اما در آیات طولانی که شامل چندین جمله می‌شود، جمله یا عبارت پایانی آیه، خود از استقلال برخوردار است و نسبت به متن و محتوای آیه، نیز وظایفی از جمله تعلیل، تأکید، توضیح، ترغیب، انکار، نتیجه‌گیری و ... دارد. آیا روا است که این جملات را فقط به خاطر اینکه یکی دو حرف و یا کلمه پایانی آنها با حروف و کلمات دیگر آیات همگون یا متقارب و دارای وزن یکسان است، یکی فرض کرده و به جمله پایانی توجهی نکنیم؟ نباید و نمی‌توان به جملات پایانی سوره‌های بلند قرآن همچون بقره، آل عمران، نساء، مائده و ... همان نگاهی را داشت که به حروف و کلمات پایانی سوره‌های کوتاه قرآن داریم. به همین جهت براساس کوتاهی و بلندی آیات دو نوع فاصله خواهیم داشت. در آیات بلند، فواصلی که از نظر معنا مستقل هستند و در آیات کوتاه، فواصلی که استقلال معنایی ندارند.^{۶۳}

حال با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان تعریف دقیق‌تری از فاصله ارائه داد:

«فاصله دارای دو جنبه صوتی و دلالتی است. از جنبه صوت: فواصل، حروف و کلمه پایانی آیات هستند که به آیات یک سوره نظم و آهنگی خاص می‌بخشند و از جنبه دلالت: فواصل، عبارات و جملات پایانی و مستقل برخی آیاتند که دارای اهداف خاصی بوده و با مفاد و محتوای آیه خود ارتباط معنایی قوی و وثیقی

۶۳. ر.ک: خصائص التعمیر القرآنی، ص ۲۳۵؛ الدلالات المعنویة، ص ۷۰ و ۷۱.

دارند».

نیستند و در اکثر موارد شامل آیاتی که از حروف مقطعه تشکیل شده، یا آیات یک کلمه‌ای و نیز فواصل منفرد نمی‌شود. همچنین در این تعاریف به خصوصیات فاصله کمتر اشاره شده است.

۴. علت عدم تعریف جامع و مانع را باید در گوناگونی و تنوع اشکال و گونه‌های پایانی آیات قرآن و همچنین این مسئله دانست که فاصله در ابتدا جزئی از علم قرائت و شمارش آیات بوده و در بیشتر تعاریف به جنبه صوتی فاصله توجه شده است.

۵. در تعریف فاصله باید به تفکیک و تفصیل قائل شد و آن را از دو جهت صوت و دلالت تعریف نمود. فاصله از جهت صوت، حروف و کلمه پایانی آیات است و شامل همه آیات بوده و به نظم و ریتم آیات سوره کمک می‌کند. اما از جهت دلالت فقط شامل جملات و عبارات پایانی آیات می‌شود که از دیگر جملات آیه مستقل، اما در ارتباط با آنها می‌باشد. این ارتباط متمیم، تأکید، تأیید یا تلخیص و ... را شامل می‌شود.

۶. تعریفی که به نظر از جامعیت بیشتری برخوردار است، عبارت است از: فاصله از جنبه صوت و لفظ، حروف و کلمه پایانی آیات است که به سوره نظم و آهنگ می‌بخشد. از جنبه دلالت و معنا نیز، عبارات و جملات پایانی و مستقل برخی آیات است که با محتوای آیه پیوند معنایی دارند و برای هدف خاصی آمده‌اند.

براساس این تعریف، همه آیات قرآن از فاصله صوتی برخوردار بوده که در بیشتر مواقع متماثل و متقارب و هم‌وزن هستند و در اندکی موارد نیز با آیات قبل و بعد خود از نظر حرف روی و وزن هماهنگ نیستند، اما در نظم و آهنگ بخشیدن به سوره مشترکند. علاوه بر آن برخی آیات (بیشتر متوسط و طولانی) دارای فاصله‌ای دیگر نیز بوده که به صورت عبارت یا جمله در پایان آن آمده و با مضمون و محتوای قبل از خود مناسبت و پیوند دارند. این نکته از اهمیت برخوردار است که فواصل از هر دو جنبه مورد بررسی و دقت قرار گیرد، تا اعجاز و بلاغت قرآن بیشتر آشکار گردد.

نتیجه‌گیری

۱. دانشمندان اسلامی برای پایان آیات از واژه‌های قافیه و سجع که برای شعر و نثر عربی در بین مردم رایج بوده است، به دلیل عظمت و شرافت بالای قرآن استفاده نکردند و با اقتباس از آیه «كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ» اصطلاح «فاصله» را برگزیدند.
۲. دیدگاه عالمان اسلامی در زمینه فاصله قرآنی و تعریف آن در دوره‌های گوناگون به یکدیگر نزدیک بوده و این موضوع هیچ‌گاه محل مناقشه و جدال میان دانشمندان شیعه و اهل سنت نشده است و دانشمندان شیعی از اهل سنت در مباحث مربوط به فاصله پیروی کرده‌اند.
۳. تعاریف موجود درباره فاصله قرآنی جامع و مانع

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آیدین، محمد مصطفی، الاسماء الحسنی و مناسبتها للآیات التی ختمت بها من اول سورة المائدة الی آخر سورة المؤمنون، مکه، جامعه ام القرى، ۱۴۰۹ق.
- ابن اثیر، نصرالله بن محمد، المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر، قاهره، دارنهضة مصر، بی تا.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، المقدمه، بی جا، بی تا، بی تا.





- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
- ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد، التحریر و التنویر، تحریر المعنی السدید و تنویر العقل الجدید من تفسیر الكتاب المجید، تونس، الدار التونسیة، ۱۹۸۴م.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- ابوحسان، جمال محمود، الدلالات المعنویة لفواصل الآیات القرآنیة، عمان، دارالفتح، ۱۴۳۱ق.
- ابوزید، احمد، التناسب البیانی فی القرآن، دراسة فی النظم المعنوی و الصوتی، رباط، کلیة الآداب؛ الدار البیضاء، ۱۹۹۲م.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۲۰۰۱م.
- باقلانی، محمد بن طیب، اعجاز القرآن، قاهره، دارالمعارف، بی تا.
- تروری، حسین مطاوع، «الاعجاز البیانی للقرآن الکریم، ارکانه و مظاهره»، ریاض، مجله البحوث الاسلامیة، شماره ۲۳، بی تا.
- جرجانی، عبدالقاهر، شرح رسالة الرماني فی اعجاز القرآن، قاهره، دارالعلوم؛ جامعة القاهرة؛ دارالفکر العربی، ۱۴۱۷ق.
- حبیبی، فهد بن عبدالله، ری الظمان فی بیان القرآن، بی جا، بی نا، بی تا.
- حسناوی، محمد، الفاصلة فی القرآن، بیروت، المكتب الاسلامی؛ عمان، دارعمار، ۱۴۰۶ق.
- حسینی علوی، یحیی بن حمزه، الطراز لاسرار البلاغة و علوم حقائق الاعجاز، بیروت، المكتبة العنصریة، ۱۴۲۳ق.
- حشاش، موسی مسلم سلام، الاعجاز البیانی فی الفاصلة القرآنیة، دراسة تطبیقیة علی سورة النساء، غزه، الجامعة الاسلامیة، ۱۴۲۸ق.
- حموی، ابوبکر بن علی، ثمرات الاوراق فی المحاضرات، مصر، مكتبة الجمهوریة العربیة، بی تا.
- همو، خزانه الادب و غایة الارب، بیروت، دارومكتبة الهلال؛ دارالبحار، ۲۰۰۴م.
- حمیده، طارق مصطفی محمد، التناسب فی سورة البقرة، جامعة القدس، ۱۴۲۸ق.
- خالدی، صلاح، اعجاز القرآن البیانی و دلائل مصدره الربانی، عمان، دارعمار، ۱۴۲۵ق.
- خرقانی، حسن، زیباشناسی قرآن از نگاه بدیع مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۲ش.
- خضر، سید، الفواصل القرآنیة - دراسة البلاغیة، بی جا، مكتبة الآداب، ۱۴۳۰ق.
- خطیب، عبدالکریم، اعجاز القرآن فی دراسة کاشفة لخصائص البلاغة العربیة و معابیرها (الاعجاز فی مفهوم جدید)، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۵ق.
- خفاجی، عبدالله بن محمد، سر الفصاحة، بی جا، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۲ق.
- دانی، عثمان بن سعید، البیان فی عد آی القرآن، کویت، مرکز المخطوطات و التراث، ۱۴۱۴ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
- رمّانی، علی بن عیسی؛ و دیگران، نکت فی اعجاز القرآن، در: ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۸۷ق.
- روستوفدونی، موسی جارالله، شرح ناظمة الزهر فی عد الآیات و تعیین فواصل القرآن، طنطا، دارالصحابة للتراث، بی تا.
- رومی، جاسم غالی، «الفواصل الصوتیة و اثرها فی القرآن الکریم: سورة البقرة مثلاً»، جامعة البصرة، مجله آداب البصرة، شماره ۴۶، ۲۰۰۸م.



- زجاج، ابراهيم بن سري، معانى القرآن و اعرابه، بيروت، عالم الكتاب، ١٤٠٨ق.
- فراء، يحيى بن زياد، معانى القرآن، قاهره، دارالمصرية للتأليف و الترجمة، بي تا.
- فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، قم، هجرت، ١٤١٥ق.
- سيويوه، عمرو بن عثمان، الكتاب، بي جا، بي نا، بي تا.
- سيد، محمد يوسف هاشم، المناسبة بين الفاصلة القرآنية و آياتها، دراسة تطبيقية لسورتى الاحزاب و سبأ، غزه، الجامعة الاسلامية، ٢٠٠٩م.
- سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر، الاتقان فى علوم القرآن، بيروت، دارالجيل، بي تا.
- همو، معتزك الاقران فى اعجاز القرآن، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠٨ق.
- شثرى، صالح بن عبدالله، المتشابه اللفظى فى القرآن الكريم و اسراره البلاغية، مكة، جامعة ام القرى، ١٤٢١ق.
- صعيدى، عبدالمتعال، بغية الايضاح لتلخيص المفتاح فى علوم البلاغة، بي جا، مكتبة الآداب، ١٤٢٦ق.
- صغير، محمد حسين على، الصوت اللغوى فى القرآن، بيروت، دارالمورخ العربى، بي تا.
- طبرى، محمد بن جرير، جامع البيان فى تأويل القرآن، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٢٠ق.
- عامر، فتحى احمد، فكرة النظم بين وجوه الاعجاز فى القرآن الكريم، اسكندريه، المعارف، ١٩٨٨م.
- عباس، فضل حسن؛ و فضل عباس سناء، اعجاز القرآن الكريم، عمان، دارالفرقان، ١٩٩١م.
- عسكرى، حسن بن عبدالله، الصناعتين: الكتابة و الشعر، بيروت، المكتبة العنصرية، ١٤١٩ق.
- عمرى، احمد جمال، مباحث فى اعجاز القرآن الكريم، بي جا، مكتبة الشباب، ١٩٨٢م.
- عنيكى، على عبدالله حسين، البناء اللغوى فى الفواصل القرآنية، عمان، دارصفاء؛ حله، دارالصادق الثقافية، ١٤٣٢ق.
- فراء، يحيى بن زياد، معانى القرآن، قاهره، دارالمصرية للتأليف و الترجمة، بي تا.
- فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، قم، هجرت، ١٤١٥ق.
- فيروزآبادى، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٢٦ق.
- قطان، مناع، مباحث فى علوم القرآن، رياض، مكتبة المعارف، ١٤١٣ق.
- قنوجى، محمد صديق خان بن حسن، ابجد العلوم، بي جا، دارابن حزم، ١٤٢٣ق.
- قيعى، محمد بن عبدالمنعم، الاصلان فى علوم القرآن، بي جا، بي نا، ١٤١٧ق.
- مبرد، محمد بن يزيد، الكامل فى اللغة و الادب، قاهره، دارالفكر العربى، ١٤١٧ق.
- مرتضى زبيدى، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بي جا، دارالهداية، بي تا.
- مطعنى، عبدالعزيز ابراهيم محمد، خصائص التعبير القرآنى و سماته البلاغية، بي جا، مكتبة وهبة، ١٤١٣ق.
- همو، ويژگيهائى بلاغى بيان قرآنى، ترجمه سيد حسين سيدى، تهران، سخن، ١٣٨٨ش.
- معرفت، محمدهادى، التمهيد فى علوم القرآن، قم، مؤسسه تمهيد؛ ذوى القربى، ١٣٨٦ش.
- مكى، ابن عقيلة، الزيادة و الاحسان فى علوم القرآن، بي جا، مركز البحوث و الدراسات جامعة الشارقة، ١٤٢٧ق.
- موسى، محمد بن حسن، اعجاز القرآن الكريم بين الامام السيوطى و العلماء، دراسة نقدية و مقارنة، جده، دارالاندلس الخضراء، ١٤١٧ق.
- نصار، حسين، الفواصل، قاهره، مكتبة مصر، ١٩٩٩م.
- هاشمى، سيد احمد، جواهر البلاغة فى المعانى و

- البيان و البديع، قم، دفتر تبليغات اسلامي، ۱۳۷۰ ش. سيدی، تهران، سخن، ۱۳۸۸ ش.
- همایي، جلال‌الدين، فنون بلاغت و صناعات ادبي، تهران، نشر هما، ۱۳۷۰ ش.
- ياسوف، احمد، دراسات فنية في القرآن الكريم، دمشق، دارالمكتبي، ۱۴۲۷ ق.
- همو، زيباشناسی وازگان قرآن، ترجمه سيد حسين يافى، نعيم، «قواعد تشكّل النغم في الموسيقى»، مجله التراث العربي، شماره ۱۵ و ۱۶، ۱۴۰۴ ق.

